

کندوکاوی روش شناختی در پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق

زهرا حاجی شاه‌کرم*

باقر ساروخانی**، حسین آقاجانی***

چکیده

هدف این مقاله، کنکاشی نقادانه در خصوص چارچوب روش شناختی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق است. مساله اصلی در این مقاله، عبارت است از "آیا عدم توجه کافی به روش‌شناسی پژوهش‌های صورت‌گرفته با محوریت طلاق تأثیری در غنا و عدم غنای پژوهش‌های آینده خواهد داشت؟"

بر این اساس، این پژوهش از روش اسنادی و تحلیل محتوا بهره‌گرفته است. این مقاله تلاش می‌کند به معرفی، شفاف‌سازی و نقد روشمند، که فراتر از یک تکنیک صرف است در مورد پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق بپردازد. از اینرو، علاوه بر بیان روش‌شناسی بنیادین، پارادایمی و کاربردی که در اکثر موارد جزو حلقه مفقوده پایان‌نامه‌ها است و به عنوان راهنمای عملی می‌تواند کمک موثری برای پایان‌نامه‌های آتی باشد، به اجرای آنها اقدام نموده و همچنین پایان‌نامه‌ها را از نظر ساختاربندی شکلی و موضوعی نظیر برهه زمانی، دسته‌بندی موضوعی، دیدگاه جنسیت محوری و... نیز مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی بنیادین، روش‌شناسی پارادایمی، روش‌شناسی کاربردی، پایان‌نامه با محوریت طلاق.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، za.hajishahkaram@gmail.com

** استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، b.saroukhani@yahoo.com

*** دانشیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، hos.aghajani@iauctb.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰

۱. مقدمه و بیان مسئله

مطالعه خانواده به‌طور عام و مسئله طلاق به‌طور خاص به‌گونه‌ای است که با بسیاری از رشته‌های دیگر نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، فقه و... آمیخته است. در علوم انسانی روش‌ها، تکنیک‌ها و فنون نمونه‌گیری نیز از پژوهشی به پژوهش دیگر متفاوت است. این ویژگی‌ها سبب شده علی‌الخصوص در موضوع این تحقیق یعنی طلاق، انبوهی از پژوهش‌ها بر رویهم انباشته شوند، بدون آنکه به مسائل روش‌شناختی آن توجه جدی صورت بگیرد. این وضعیت بحرانی در پژوهش‌های علوم اجتماعی مختص به ایران نیست بلکه در کشورهای پیشرفته هم وجود داشته است (Hunter & Schmidt, 2004).

نگارش پایان‌نامه به‌عنوان مهمترین بخش از فعالیتهای دانشجویان در تحصیلات تکمیلی، به‌مثابه ابزاری است که تصویری از دانشجو را در محافل علمی به‌نمایش می‌گذارد. مجموعه پایان‌نامه‌های حوزه مطالعاتی خانواده (طلاق) به‌عنوان بخشی از کارنامه پژوهشی، می‌بایست در دوره‌های زمانی مختلف برای ترسیم تصویر از مسیر طی شده، به آنها نگریت تا نقاط قوت و ضعف پایان‌نامه‌های قبلی را به‌مثابه ابزار راهگشای پژوهش‌های آینده نشان داد. همچنین توسعه علمی، فرهنگی و... به‌میزان زیادی به پژوهش‌ها بستگی دارد، از این رو کندوکاو روش‌شناختی می‌تواند در ترسیم مسیر تحقیقاتی حوزه طلاق نقش عمده‌ای داشته باشد. به‌عبارتی روش‌شناسی، نشان‌دهنده هویت پایان‌نامه است.

بنابراین در این مقاله بحث بر سر درستی یا نادرستی و غنای محتوای پژوهش‌ها، ترکیب و تلفیق نتایج تحقیقات انجام‌شده در پژوهش‌های مرتبط با طلاق برای شناسایی نتایج آن‌ها و تدوین نظریه و مدل‌های تجربی جدید نیست، بلکه مقاله حاضر تلاشی است گذشته‌نگر و انتقادی در خصوص پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق در ایران، که از جنبه روش‌شناسی بنیادین، پارادایمی و کاربردی آنها را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهند.

۲. تعاریف مفهومی

روش‌شناسی بنیادین (Fundamental Methodology): روش‌شناسی بنیادین ناظر به روشی است که نظریه و حوزه‌های پیمایشی آن در مسیرش تولید میشود. بنابراین روش‌شناسی بنیادین مقدم بر روش‌شناسی پارادایمی و کاربردی است (پارسانیا، ۱۳۹۲). روش‌شناسی

بنیادین، رویکردها، مکاتب و نظریه‌های متناسب با خود را پدید می‌آورد و متشکل از معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی است (پارسانیا، ۱۳۹۰).

روش‌شناسی پارادایمی (Paradigmatic Methodology): مقصود از روش‌شناسی پارادایمی، منطق و شیوه تحلیل از موضوعات و مسائل اجتماعی است که بر اساس الگو و رویکردی خاص بنیان گرفته باشد (ایمان، ۱۳۹۰ و sarantakos, 1998).

روش‌شناسی کاربردی (Applied Methodology): مقصود از روش‌شناسی کاربردی، روش‌هایی است که متأثر از پارادایم‌ها و همچنین بنیادهای معرفتی که در حوزه عمل و میدان پدید می‌آید (ایمان، ۱۳۹۰).

پایان‌نامه با محوریت طلاق (Divorce-oriented theses): منظور پایان‌نامه‌های دانشگاه دولتی با محوریت طلاق در رشته‌های مختلف که درباره یکی از موضوعات مرتبط با طلاق نظیر اجتماعی، اقتصادی، فقهی - حقوقی و... توسط دانشجویان ارشد و دکتری صورت گرفته است.

۳. اهداف پژوهش

پدیده‌های مورد مطالعه در علوم اجتماعی و انسانی نظیر طلاق، انسان را موضوع اصلی تحقیق در نظر می‌گیرند، لذا نمی‌توان در چارچوب یک مطالعه واحد به بررسی و تبیین آن پرداخت از اینرو محققان این مطالعه برای شناخت روش، حوزه و رشته‌ها، دسته‌بندی زمانی - موضوعی و ... از نقد روشمند بهره گرفته اند. زمانی که تعداد قابل توجهی از کارهای پژوهشی در موضوعی نظیر طلاق در جامعه وجود داشته باشد، کندوکاو روش‌شناختی با نگاه انتقادی قابل انجام خواهد بود که می‌بایست حداقل به لحاظ کمی، تعداد تحقیقات در آن، قابل توجه باشد. در نهایت با بررسی موضوع این تحقیق به اهداف زیر میتوان دست یافت:

۱. بررسی چارچوب روش‌شناختی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق
۲. بررسی ساختار شکلی، صوری و تاریخی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق

۴. ادبیات و پیشینه پژوهش

بسیاری از مفاهیمی که در حوزه طلاق شکل می‌گیرد موضوع محققان مطالعات خانواده با محوریت طلاق است و از این‌رو امری میان‌رشته‌ای است. همان‌طور که هریک از رشته‌های

علمی رو به گسترش و تخصصی شدن نمودند، مطالعات خود را در حوزه خانواده با محوریت طلاق با رویکرد جزئی‌نگر مورد بررسی قرار دادند و از تحلیل‌های خرد بهره گرفته‌اند، در این بین پژوهش‌هایی با فراوانی کمتر با رویکرد کلی‌نگر و تحلیل کلی به بررسی خانواده با محوریت طلاق پرداخته‌اند که می‌توان به فرا تحلیل‌ها توسط کاظمی پور و خوشنویس (۱۳۹۲) و یحیی زاده و حامد (۱۳۹۴) در این زمینه اشاره کرد. همچنین با توجه به گستردگی پایان‌نامه‌ها، پژوهشی که از منظر روش شناختی با رویکرد انتقادی به بررسی و تحلیل پژوهش‌های صورت گرفته با محوریت طلاق بپردازد، وجود ندارد.

۵. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش درصدد آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- کدام یک از حوزه‌ها و رشته‌ها در مطالعات خود به مسئله طلاق پرداخته‌اند؟ و در چه رشته‌هایی مسئله طلاق بیشتر مطرح شده است؟
- پایان‌نامه‌هایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند اساساً بر کدام روش‌شناسی بنیادین استوار هستند؟
- پایان‌نامه‌های مورد استفاده با محوریت طلاق از نظر روش‌شناسی پارادایمی دارای چه وضعیتی هستند؟
- پایان‌نامه‌هایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند با توجه به اتخاذ روش پارادایمی خاص خود، از چه روش کاربردی‌ای در میدان عمل استفاده کرده‌اند؟
- با توجه به انسان‌شناسی حاکم بر پایان‌نامه‌ها، نقش تجربه زیسته در این پایان‌نامه‌ها چه اندازه است؟
- در کدام برهه زمانی بیشتر توجهات معطوف به طلاق بوده است؟
- دسته‌بندی موضوعی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق به چه صورت است؟
- پایان‌نامه‌های صورت گرفته با محوریت طلاق از سال ۱۳۴۹ تاکنون در ایران در مورد دیدگاه جنسیت محوری (زن) از چه جهت‌گیری برخوردارند؟

۶. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی است و به روش تحلیل محتوا، به شناسایی مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با موضوع پرداخته است. بر این اساس، تحلیل محتوای کمی باید از چهار ویژگی "عینی بودن، منظم بودن، آشکار بودن و کمی بودن" برخوردار باشد (طالقانی، ۱۳۸۱، ۹۸-۹۷). روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در تحلیل محتوای کمی می‌تواند توصیفی یا توصیفی - تحلیلی باشد. در تحلیل توصیفی، بر اساس نوع واحد تحلیل، باید فراوانی موضوع مورد بررسی در مقوله‌بندی‌ها تعیین و شمارش شود و بر اساس آن نتیجه‌گیری به عمل آید. در اینجا محقق تنها به تحلیل فراوانی می‌پردازد، در حالی که در توصیفی - تحلیلی نه تنها تحلیل فراوانی (شامل شدت، وسعت و اهمیت عناصر مورد نظر در محتوا)، که تحلیل هم‌بستگی عناصر و مفاهیم جهت انسجام و همبستگی و یا گسستگی بررسی می‌شود و نتیجه‌گیری نهایی صورت می‌پذیرد (کرلینجر، ۱۳۸۰).

۷. جامعه آماری پژوهش

در این پژوهش محققان از سایت ایرانداک برای به دست آوردن نمونه‌ای هدفمند بهره گرفتند. لذا برای به دست آوردن اطلاعات از کلمه کلیدی "طلاق" استفاده کردند. که در نهایت به ۳۱۲ پایان‌نامه دانشگاه دولتی در سایت ایرانداک دست یافتند. بدین ترتیب پس از بررسی جامع، حذف موارد تکراری و برخی پایان‌نامه‌های غیر مرتبط، دست آورد پژوهشگران در مجموع ۳۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۹ رساله دکتری با محوریت طلاق بود که در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۹۶ در دانشگاه‌های دولتی کشور دفاع شده است. لازم به ذکر است که اطلاعات ۳ پایان‌نامه در هیچ منبع معتبر یافت نشدند و در نهایت از جامعه آماری حذف شدند. همچنین پایان‌نامه‌هایی که اطلاعات آن برای این مطالعه به‌طور کامل در سایت ایرانداک وجود نداشت محققان با استفاده از اطلاعات کتاب‌شناسی این پایان‌نامه‌ها به دانشکده مربوطه مراجعه کرده و اطلاعات لازم را گردآوری می‌کردند. پس از مرور و بررسی تک تک پایان‌نامه‌ها، اطلاعات مورد نیاز در فرم‌های مخصوص، جمع‌آوری و ثبت گردید. همچنین ملاحظاتی در انتخاب پایان‌نامه‌ها صورت گرفت که به شرح ذیل است:

(۱) تحقیق درباره یکی از موضوعات مرتبط با طلاق نظیر اجتماعی، اقتصادی، فقهی - حقوقی و... باشد (۲) تحقیق توسط دانشجویان ارشد و دکتری صورت گرفته باشد (۳) تحقیق از منظر بازه زمانی با محدودیت مواجه نباشد (۴) تحقیق از منظر اعتبار روشی و نظری حداقل معیارهای لازم را کسب کرده باشد.

۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱.۸ کدام یک از حوزه‌ها و رشته‌ها در مطالعات خود به مسئله طلاق پرداخته‌اند؟ و در چه رشته‌هایی مسئله طلاق بیشتر مطرح شده است؟

جدول ۱. فهرست عناوین رشته‌ها و گرایش‌ها با تمرکز بر محور طلاق به ترتیب توزیع و درصد فراوانی

ردیف	قلمرو رشته ای	گرایش	فراوانی	درصد فراوانی
۱	الهیات و معارف اسلامی	فقه و مبانی حقوق اسلامی	۶۰	۲۱/۶۸
		ادیان و عرفان	۲	
		فقه شافعی	۲	
		قرآن و حدیث	۳	
۲	حقوق و علوم سیاسی	حقوق خصوصی	۴۹	۱۶/۱۸
		حقوق جزا و جرم‌شناسی	۱	
۳	مطالعات زنان	حقوق زن در اسلام	۹	۶/۸
		زن و خانواده	۱۲	
۴	علوم تربیتی ۱	مدیریت آموزشی	۲	۰/۶۴
۵	علوم تربیتی ۲	روانشناسی تربیتی	۲۹	۲۶/۹
		مشاوره و راهنمایی	۵	
		مشاوره (مدرسه، شغلی، خانواده، توان‌بخشی)	۴۹	
۶	روانشناسی	عمومی	۱۶	۹/۷
		بالینی	۴	
		خانواده‌درمانی	۱۰	
۷	اخلاق	فلسفه اخلاق	۱	۰/۳۲
۸	علوم پزشکی	آمار زیستی	۳	۲/۹۱
		آموزش بهداشت	۱	
		آموزش پزشکی	۱	

	۴	مددکاری اجتماعی		
۰/۶۴	۲	روانشناسی ورزشی	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۹
۰/۳۲	۱	پرستاری سلامت جامعه	پرستاری	۱۰
۱۳/۶۰	۳۲	جامعه‌شناسی	علوم اجتماعی	۱۱
	۳	جمعیت‌شناسی		
	۴	پژوهش علوم اجتماعی		
	۲	مطالعات فرهنگی		
	۱	برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی		
۰/۳۲	۱	فرهنگ و زبان باستانی	زبان‌شناسی	۱۲
۱۰۰	۳۰۹		جمع	۱۳

با نگاه کلی به یافته‌های جدول (۱) در می‌یابیم که رشته علوم تربیتی ۲ با ۲۶/۹، الهیات و معارف با ۲۱/۶۸، حقوق و علوم سیاسی با ۱۶/۱۸ و علوم اجتماعی با ۱۳/۶۰ به ترتیب بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. البته لازم به ذکر است که قلمرو رشته‌ها و گرایش‌های آنها بر اساس یک اجماع در دسته‌بندی رشته‌ها از بررسی چند سال دفترچه‌های انتخاب رشته تحصیلات تکمیلی به دست آمده است.

بر اساس نتایج مذکور، بیشترین پایان‌نامه‌های با محوریت طلاق در مراتب اهمیت به رشته‌های علوم تربیتی ۲، الهیات و معارف، حقوق و علوم سیاسی و علوم اجتماعی اختصاص دارد. اگرچه سایر رشته‌ها نظیر اخلاق، مطالعات زنان و... نیز در زمینه طلاق به انجام تحقیق اقدام نموده‌اند. نکته‌ای که در اینجا حایز اهمیت می‌باشد این است که رشته مطالعات زنان در سال ۱۳۷۸ با هدف تربیت متخصصانی که دارای توانمندی در ارایه راه‌کارها در مسایل مربوط به زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را داشته باشند، تاسیس شد. از آن زمان تا به امروز این رشته، تحولات گوناگون و چالش‌های فراوانی را پشت سر گذرانده است. رشته مطالعات زنان مانند سایر رشته‌های دانشگاهی، بر اساس نیاز جامعه ایران ایجاد شده است. با بررسی پایان‌نامه‌های رشته مطالعات زنان با درصد فراوانی ۶/۸ در می‌یابیم که در شرایطی که جامعه ایران با مشکلات بسیاری در زمینه طلاق و ارتباط آن با خانواده، قوانین و... دست و پنجه نرم می‌کند، می‌بایست این رشته، بیشتر در زمینه طلاق به انجام تحقیقات آکادمیک اقدام نماید.

۲۸ پایان‌نامه‌هایی که در این پژوهش مورداستفاده قرار گرفته‌اند اساساً بر کدام روش‌شناسی بنیادین استوار هستند؟

روش‌شناسی بنیادین یک دانش و علمی حقیقی است که متشکل از معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است. روش‌شناسی بنیادین با مشخص ساختن مبانی یک نظریه زمینه نقدهای بنیادین را پدید می‌آورد (پارسانیا، ۱۳۹۰).

معرفت‌شناسی (Epistemology): نظریه‌ای در باب معرفت یا دانش است، نظریه یا معرفتی درباره روش یا پایه دانش است. نظریه‌ای که بیان می‌کند چطور انسان به معرفت از جهان اطراف خود دست‌یافته یا دست خواهد یافت؟ چه طور آنچه را که می‌دانیم، می‌دانیم؟ معرفت‌شناسی بنیانی فلسفی برای ایجاد انواع معرفت را که ممکن است بتوانیم کسب کنیم، مهیا ساخته و معیاری است برای اینکه تصمیم بگیریم چه طور معرفت می‌تواند به‌درستی و به‌صورت منطقی سنجیده شود (محمدپور، ۱۳۸۹، ۴۴).

هستی‌شناسی (Ontology): هستی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که با ماهیت و طبیعت آنچه وجود دارد مرتبط است. هر پارادایم تحقیق، دیدگاهی درباره ماهیت واقعیت، هستی و جهان دارد که مفروضات هستی‌شناسانه اساس آن را تشکیل می‌دهد (محمدپور، ۱۳۸۹، ۳۴). هستی‌شناسی عبارت است از نظریه‌ای عام درباره اینکه چه نوع چیزهایی یا جوهره‌هایی در جهان وجود دارند و اشاره به گستره‌ای از هستی‌ها و روابطی است که درون حوزه‌ای خاص از معرفت و تخصص علمی پذیرفته می‌شود (بتون و کرایب، ۱۳۸۴، ۲۳-۲۱). هر حوزه‌ای از معرفت، هستی‌شناسی خاصی را برای طبقه‌بندی و توصیف انواع چیزها و روابط یا فرآیندهایی که دارد و آن حوزه معرفت با آن‌ها سروکار دارد.

انسان‌شناسی (Anthropology): پارادایم‌های غالب علوم انسانی در جواب چستی ماهیت انسان پاسخ‌های متفاوتی ارائه می‌کند. درک از انسان زمینه درک علمی از او را فراهم می‌سازد. هرگونه شناخت علمی انسان، نیازمند برخورداری از مقولاتی مانند هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نیز می‌باشد. اگرچه بالاترین معرفت از انسان، معرفت از اوست ولی انسان به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، موضوع مستقل از هستی‌شناسی است ولی ارتباط نزدیکی با هستی‌شناسی و همچنین معرفت‌شناسی دارد (پارسانیا، ۱۳۹۰).

جدول ۲. ارزیابی استفاده و به‌کارگیری روش‌شناسی بنیادین در پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق

روش‌شناسی بنیادین			رشته
انسان‌شناسی	هستی‌شناسی	معرفت‌شناسی	
۱/۴۹ پرداخته‌اند ۹۸/۵۱ نپرداخته‌اند	۲/۹۸ پرداخته‌اند ۹۷/۰۲ نپرداخته‌اند	۵/۹۷ پرداخته‌اند ۹۴/۰۳ نپرداخته‌اند	الهیات و معارف اسلامی
۱۹/۰۴ پرداخته‌اند ۸۰/۶۰ نپرداخته‌اند	۹/۵۲ پرداخته‌اند ۹۰/۴۸ نپرداخته‌اند	۹/۵۲ پرداخته‌اند ۹۰/۴۸ نپرداخته‌اند	مطالعات زنان
۱۰۰ درصد نپرداخته‌اند	۱۰۰ درصد پرداخته‌اند	۱۰۰ درصد پرداخته‌اند	اخلاق
۱۴/۲۸ پرداخته‌اند ۸۵/۷۲ نپرداخته‌اند	۷/۱۴ پرداخته‌اند ۹۲/۸۶ نپرداخته‌اند	۹/۵۲ پرداخته‌اند ۹۷/۰۳ نپرداخته‌اند	علوم اجتماعی
۴/۸۱ پرداخته‌اند ۹۵/۱۹ نپرداخته‌اند	۱۰۰ نپرداخته‌اند	۱۰۰ نپرداخته‌اند	علوم تربیتی ۲

با توجه به مطالب فوق‌الذکر پیرامون روش‌شناسی بنیادین، با بررسی و تحلیل محتوای پایان‌نامه‌ها، نتایج حاکی از آن است از نظر فلسفه علمی که پشتوانه ۳۰۹ پایان‌نامه است، ۳/۵۶ درصد پایان‌نامه‌ها دارای مبانی معرفت‌شناختی، ۲/۵۹ درصد شامل مبانی هستی‌شناسی و ۵/۱۸ درصد از مبانی انسان‌شناسی بهره‌گرفته‌اند که مبتنی بر اصول موضوعه و مکتوب بدان اشاره کرده‌اند در صورتی که پایان‌نامه‌های ۶ رشته دیگر به روش‌شناسی بنیادین بر مبنای مبانی و اصول موضوعه به‌طور صریح و صحیح نپرداخته‌اند. از آنجاییکه در پایان‌نامه‌های دانشجویان با محوریت طلاق از نظریه‌های متعدد و مختلف استفاده شده است و هر نظریه به اقتضای ذات خود روشی را طلب می‌نماید، با توجه به تحلیل محتوای صورت‌گرفته، کمتر از ۶ درصد پایان‌نامه‌ها، به‌صورت مکتوب و متکی بر اصول روش‌شناسی بنیادین، روش مرتبط با نظریه را استفاده کرده بودند یا فقط بدان اشاره کرده بودند بدون اینکه متکی بر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی باشد. به عبارتی می‌توان گفت در کمتر از ۶ درصد این پایان‌نامه‌ها، دانشجویان به مثابه یک روش‌شناس با توجه به پیشینه و زمینه معرفتی، روش‌ها را انتخاب نموده‌اند. همچنین هر یک از نظریه‌های مورد استفاده در این پایان‌نامه‌ها، در هر رشته‌ای نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... در ذیل یکی از فلسفه‌های موجود می‌باشد. که متأسفانه در ۹۴ درصد پایان‌نامه‌ها به این نکته توجه نشده بود.

۳۸ پایان‌نامه‌های مورد استفاده با محوریت طلاق از نظر روش‌شناسی پارادایمی دارای

چه وضعیتی هستند؟

مقصود از روش‌شناسی پارادایمی، منطقی و شیوه تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی بر اساس چه الگو و رویکردی می‌باشد. سنخ‌شناسی‌های متفاوتی برای روش‌شناسی پارادایمی وجود دارد. که می‌توان به سنخ‌شناسی جوی هیگس، دنزین و لینکلن، بلیکی، نیومن و سارانتاکوس اشاره نمود. نویسندگان این مقاله از سنخ‌شناسی پارادایمی اثبات‌گرایی، تفسیری و انتقادی سارانتاکوس استفاده نموده و تا بتوانند روش‌شناسی پارادایمی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق را مورد بررسی قرار دهند.

سارانتاکوس، پژوهشگر در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، سه پارادایم کلی را از یکدیگر تفکیک می‌کند: پارادایم اثبات‌گرا (اثبات‌گرایی، پسا اثبات‌گرایی، اثبات‌گرایی روش‌شناختی و منطقی)، پارادایم تفسیرگرا (کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی، روش‌شناسی قومی، هرمنوتیک، روانکاوی، قوم‌شناسی، قوم‌نگاری و زبان‌شناسی اجتماعی) و درنهایت پارادایم سوم، پارادایم انتقادی است که شامل مارکسیسم و نو مارکسیسم، مکتب تضاد و فمینیسم می‌شود (ایمان، ۱۳۹۰).

اثبات‌گرایی (Positivism): پارادایم اثبات‌گرایی یا اصالت تحصیلی، یکی از رویکردهای زیربنایی پژوهش علوم اجتماعی است (فی، ۱۳۸۱). برای شناخت هر مکتب، توجه به پیش فرض‌های زیربنایی آن، ضرورت دارد. رویکرد اثبات‌گرایی بر پیش‌فرض‌های همچون: وجود جهان خارج از ذهن، حکم‌فرمایی قوانین جهان‌شمول بر جهان خارجی، امکان کشف این قوانین و درنهایت معتبرترین ادعاهای علمی، ادعاهای آماری، ریاضی و کمی هستند، استوار است (یاوری و پوراسدی، ۱۳۹۰، ۶۴۹).

تفسیرگرایی (Interpretation): پارادایم تفسیری، دیدگاه اصحاب اثبات‌گرا در اندازه‌گیری جنبه‌های پدیده‌های انسانی رد می‌نماید درحالی‌که هدف را درک پدیده‌ها از منظره سازندگان آن، معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، پیروان این نظریه بر این باورند که هدف علوم انسانی، فهم کنش انسانی در بافت اجتماعی آن است (Rocco et al, 2003). همچنین سنت درون‌فهمی به‌عنوان ویژگی تفسیرگرایی در علوم انسانی توصیف‌شده است (Calhoun, 2002).

انتقادی (Critical): پیروان این پارادایم، به دلیل اینکه رویکرد اثبات‌گرایی و روش‌های کمی پژوهش منتج از آن، صرفاً به دنبال تبیین وضع موجود بوده‌اند، بر این باورند که

روش‌های کمی پژوهش عمدتاً در خدمت توصیف و تأیید وضع موجود هستند. در صورتی که از منظر پیروان نظریه انتقادی، کسب شناخت در خدمت، ایجاد تغییر در شرایط نابرابر وضع موجود است (بازرگان، ۱۳۸۵).

نتایج تحقیق حاکی از آن است که از منظر روش‌شناسی پارادایمی، ۵۱/۱۰ درصد پایان‌نامه‌ها دارای مبانی روش‌شناسی پارادایمی از نظر اتکا به پارادایم اثبات‌گرایی، ۴۵/۲۹ درصد اتکا به پارادایم تفسیری و ۱/۲۸ درصد پارادایم انتقادی هستند و ۲/۲۶ درصد از هر دو رویکرد اثبات‌گرایی و تفسیری به صورت ترکیبی بهره گرفته‌اند.

همچنین با توجه به اینکه چهار رشته علوم تربیتی^۲، الهیات و معارف اسلامی، حقوق و علوم سیاسی و علوم اجتماعی به ترتیب با ۲۶/۹، ۲۱/۶۸، ۱۶/۱۸ و ۱۳/۶۰، بیشترین درصد فراوانی رشته‌هایی که به مسئله طلاق پرداخته‌اند را شامل می‌شوند، پس با نگاهی کلان رویکرد آن‌ها به روش‌شناسی پارادایمی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بیش از هفتادسال است که محققان و پژوهشگران علوم تربیتی کوشش کرده‌اند با تکیه بر دانش سنجش، بررسی و تحقیق در پدیده‌های روانی-تربیتی به انواع پژوهش‌ها برای نظریه‌پردازی، تحقیقات بنیادی، راهبردی و کاربردی بپردازند. روان‌شناسان قرن گذشته اولین دانشمندانی بودند که با تأکید بر روش‌شناسی پارادایمی مبتنی بر اثبات‌گرایی به طراحی و به‌کارگیری طرح‌های عاملی در پژوهش‌های مختلف پرداختند (Aiken et al, 1990:721). با گذشت زمان، تحولات مهم دیگری در حوزه‌های سنجش و اندازه‌گیری و روش‌شناسی پژوهش پدید آمد نظیر فنونی چون نظریه تعمیم‌پذیری، مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحلیل چند متغیره ناپیوسته، تحلیل تطابقی و... (Ibid, 772) تقریباً همزمان با این تحولات وسیع در اندازه‌گیری و سنجش و پژوهش در علوم تربیتی و روان‌شناسی در غرب توجه دانشمندان به این نکته جلب شد که سنجش و پژوهش‌های مبتنی بر اثبات‌گرایی، با وجود کارایی و دقت خود در مطالعات رفتارگرایانه روان‌شناسی، پاسخگوی مطالعه پدیده‌های پیچیده‌تر روان‌شناسی و علوم تربیتی نیست و به همین جهت از همان نیمه قرن گذشته کوشش وسیع دیگری برای گسترش پژوهش‌های تفسیری آغاز شد و بخصوص در ربع آخر قرن گذشته میلادی به اوج خود رسید و رقیب نیرومندی برای مطالعات اثبات‌گرایی شد. علاوه بر این، محققان دیگر تمرکز خود را، به جای به چالش کشیدن تحقیقات مبتنی بر پارادایم تفسیری، بر چگونگی اجرای این تحقیقات قرار دادند (لطف‌آبادی و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۱۴-۱۱۱).

روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی در سه دهه اخیر با تغییر و تحولات بیشتری روبه‌رو بوده و نوآوری در این موضوع همچنان ادامه دارد. ما شاهد هستیم که محققان کنونی از انواع گوناگونی از روش‌ها ذیل پارادایم‌های اثبات‌گرایی و تفسیری بهره می‌گیرند. در پروژه‌های اخیر از طرح‌های پژوهشی ترکیبی نیز استفاده می‌شود. بنیادهای فلسفی و روش‌شناختی این پژوهش‌های تفسیری و ترکیبی متفاوت از بنیادهای پژوهشی سنتی است که بر استقراگرایی و کمی‌نگری مبتنی هستند. توجه به این تفاوت‌ها و بهره‌گیری از روش‌های جدید پژوهشی نیازمند فهم مبانی روش‌شناسی پارادایمی پژوهش‌های روانی-تربیتی است (همان، ۱۱۴).

یافته‌های این پژوهش، نشان‌دهنده آن است که محققان در پایان نامه‌هایشان با محوریت طلاق، در رشته‌های علوم تربیتی از طرح‌های پژوهشی سنتی استفاده می‌کنند و هنوز روش‌های مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی، بر پژوهش‌هایشان مسلط است. تنها ۴ پایان‌نامه در این رشته مبتنی بر پارادایم تفسیری و ۱ پایان‌نامه با از هر دو پارادایم اثبات‌گرایی و تفسیری انجام شده است. از منظر لطف‌آبادی و دیگران (۱۳۸۶) "تدریس روش تحقیق به دانشجویان روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی در هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تقریباً بدون توجه به روش‌شناسی بنیادین و پارادایمی تحقیق صورت می‌گیرد. این دانشجویان غالباً نمی‌دانند که کدام تفاوت‌های اساسی در پس رویکردهای فوق‌الذکر در پژوهش‌ها وجود دارد و گویا این موضوع حتی چنان اهمیتی ندارد که به آن پرداخته شود. فرض مسلم در غالب کلاس‌های روش تحقیق آن است که پارادایم اثبات‌گرایی برای مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی کفایت می‌کند و نیازی به رویکردهای دیگری در تحقیقات مذکور وجود ندارد."

با بررسی و تحلیل پایان‌نامه‌های رشته الهیات و معارف اسلامی، دو نگاه و رویکرد کلی در باب تحقیق و پژوهش یافت شد: اولین رویکرد این‌که ماهیت دیدگاه‌ها، اهداف و دستورالعمل‌ها از منظر یک دین‌مورد مطالعه قرار گرفته که این‌یک نوع نگاه درون‌دینی است. که برای بهره‌گیری از منابع، معمولاً به کتب مقدس و یا کتاب‌های تاریخی، نقد و یا تفسیری و امثال آن‌که پیرامون آن کتب مقدس نوشته شده، رجوع شده است. اما رویکرد دوم نسبت به پژوهش این است که دین به مثابه یک پدیده، در زندگی اجتماعی در نظر گرفته شده که جنبه‌های مختلف بشر و زندگی او از آن تأثیر پذیرفته و در عین حال تأثیرگذار نیز است.

پایان‌نامه‌هایی که با رویکرد دوم به پژوهش پرداخته‌اند تنها روش‌های موردنظر رویکرد اول را به‌تنهایی جواب‌دهنده تحقیق و پژوهش نمی‌دانند، بلکه در این پایان‌نامه‌ها از روش‌های دیگری مورد استفاده در حوزه علوم انسانی نیز استفاده شده است که غالب آن‌ها اسنادی، بررسی تطبیقی کمی و کیفی است. زیرا این پایان‌نامه‌ها به یک سری مطالعات نظری در حوزه علوم اسلامی اکتفا نکرده‌اند، به عبارت دیگر هنگامی که این پایان‌نامه‌ها رویکرد دوم را اتخاذ کردند، به یک مطالعه بین‌رشته‌ای تبدیل شده و روش‌های تحقیق را با توجه به این رویکرد دوم انتخاب کرده‌اند.

تحلیل تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های شرایط یا پیامدها در بین مناطق، ملت‌ها، جوامع، فرهنگ‌ها و مذاهب است (Smelser, 2003: 645). در روش تطبیقی، هدف اصلی تبیین واقعیت‌های کلان است. مقایسه و تطبیق حائز نقش و جایگاه محوری در همه علوم تاریخی، از جمله الهیات و معارف اسلامی است (نوذری، ۱۳۸۷، ۲۳۸). مطالعه تطبیقی به دو صورت کمی با موارد زیاد و کیفی با موارد محدود سروکار دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در پایان‌نامه‌های صورت گرفته با محوریت طلاق در این پژوهش توسط دانشجویان رشته الهیات و معارف اسلامی، از منظر روش‌شناسی پارادایمی، غلبه پارادایم تفسیری حاکم می‌باشد. که در بین آن‌ها، ۸ پایان‌نامه با روش تطبیقی صورت گرفته است. که از بین ۸ پایان‌نامه، ۲ پایان‌نامه با روش تطبیقی کمی و ۶ پایان‌نامه از روش تطبیقی کیفی بهره گرفته است. به عبارتی محققان این دو پایان‌نامه که از روش تطبیقی کمی استفاده کرده‌اند، در قالب استراتژی قیاسی می‌خواستند از نظریه به سمت تحلیل داده‌های مرتبط که در خدمت نظریه مربوطه است برسند. اما ۶ پایان‌نامه که از روش تطبیقی کیفی بهره گرفته‌اند در صدد دسترسی به الگو و مدل‌های نسبتاً عام بوده‌اند.

در رشته حقوق و علوم سیاسی، تحقیق به لحاظ نوع می‌تواند جنبه بنیادین یا کاربردی داشته باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که به لحاظ روش، غالب پایان‌نامه‌های این رشته به صورت توصیفی-تحلیلی صورت می‌گیرد. که روش‌هایی که پایان‌نامه‌ها با آن صورت گرفته است به صورت اسنادی و با مراجعه به تحقیقات علمی گذشته و حال از قبیل کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و... است. در بین این پایان‌نامه‌ها، پایان‌نامه‌ای وجود نداشت که به شیوه میدانی باشد که در این صورت، محقق می‌بایست به محیط مورد مطالعه برود و از فعالیت‌ها و رفتارهای جامعه مورد مطالعه، اطلاعاتی به دست

آورد و پس از گردآوری داده‌ها و اطلاعات باید به دسته‌بندی، تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی آن‌ها پرداخت.

رهیافت‌های پژوهشی علوم اجتماعی در طول دو دهه اخیر، بسیار متکثر شده‌اند (کرسول، ۱۳۹۳). امروزه تأکید فزاینده‌ای بر استفاده از روش‌ها مبتنی بر پارادایم تفسیری و انتقادی در علوم اجتماعی دیده می‌شود و برای این تأکیدات، توجهات گوناگونی نیز عنوان شده است که دامنه‌ای از قابلیت‌ها و سودمندی‌ها و نکات مثبت و امتیازات برای این روش‌ها تا عدم بهره‌گیری از آمار و ارقام و اعداد، یا موردتوجه بانوان بودن یا مسائل خاص (در این پژوهش، طلاق) را دربرمی‌گیرد (Neuman, 1994: 317). با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش، از نظر روش‌شناسی پارادایمی، ۸۴ درصد پایان‌نامه‌های رشته علوم اجتماعی مبتنی بر پارادایم اثباتی، ۱۲/۵ درصد تفسیری، ۱ درصد انتقادی و ۲/۵ درصد ترکیبی از هر دو پارادایم تفسیری و اثبات‌گرایی است، می‌توان گفت که متأسفانه در این پایان‌نامه‌ها به اندازه کافی به تحقیق مبتنی بر پارادایم تفسیری و انتقادی توجه نشده است. لازم به ذکر است که طبق یافته‌ها، روش‌های مبتنی بر اثبات‌گرایی به دلیل مفروضات زیربنایی‌شان، در برخی از پایان‌نامه‌ها کم‌ترین تناسب برای مطالعه و درک عمیق پدیده طلاق را داشتند.

۴۸ پایان‌نامه‌هایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند با توجه به اتخاذ روش پارادایمی خاص خود، از چه روش کاربردی‌ای در میدان عمل استفاده کرده‌اند؟ روش‌شناسی کاربردی، روش کاربرد یک نظریه علمی در حوزه میدانی و عمل می‌باشد. که مرتبط با روش‌شناسی پارادایمی و بنیادین است. به این معنا رویکردهایی مانند اثبات‌گرایی خود با شیوه‌ها و روش‌های متنوع و مختلفی در عرصه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و نتیجه‌گیری به کار گرفته می‌شود.

جدول ۳: توزیع و درصد فراوانی پایان‌نامه‌ها جامعه مورد مطالعه بر حسب روش‌های تحقیق مختلف

روش	فراوانی	درصد فراوانی	روش	فراوانی	درصد فراوانی
۱	استنادی	۱۲۴	۸	آزمایشی-تجربی	۹/۷۰
۲	پیمایش	۵۶	۹	غیرآزمایشی-تجربی	۲۱/۳۸
۳	تحلیل کمی	۱	۱۰	تحلیل تماتیک	۰/۳۲

۲/۵۸	۸	بررسی تطبیقی	۱۱	۰/۰۰	۰	کیفی	محتوا	
۲/۲۶	۷	ترکیبی	۱۲	۰/۳۲	۱		تحلیل ثانویه	۴
۰/۳۲	۱	کتاب‌سنجی	۱۳	۰/۳۲	۱		پژوهش تاریخی	۵
	۳۰۹	جمع		۳/۲۳	۱۰		گراند تئوری	۶
				۰/۶۴	۲		پدیدارشناسی	۷

نگاه کلی به یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، روش اسنادی با ۴۰/۱۲ درصد غیرآزمایشی - غیرتجربی با ۲۱/۶۸ و تحلیل ثانویه، تحلیل محتوای کمی، پژوهش تاریخی و کتاب‌سنجی با ۰/۳۲ درصد به ترتیب، بیشترین و کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. روش اسنادی برای تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی که قصد مطالعه آن را داریم بکار می‌رود (bailey, 1994, McCulloch, 2005). در این روش، پژوهشگر به دنبال واکاوی مقاصد ذهنی نیست بلکه آن را به‌عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده پذیرفته و مورد استناد قرار می‌دهد (Mogalakwe, 2006, Flick, 2004). با توجه به یافته‌های به دست آمده، روش اسنادی هم به‌عنوان یک روش مستقل و تام برای رشته الهیات، حقوق و اخلاق استفاده شده است و هم به‌عنوان یک مکمل در رشته‌های علوم اجتماعی، مطالعات زنان، علوم تربیتی و روانشناسی در کنار سایر روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارتی پژوهشگران، داده‌های خود را از طریق منابع و اسناد گردآوری نموده‌اند. لازم به ذکر است اکثر پژوهشگران این پایان‌نامه‌ها در رشته‌های علوم اجتماعی، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های نظری را با توجه به این روش، به‌عنوان روش مکمل استفاده کرده‌اند. زیرا چنین روشی توانسته تکنیک لازم را برای بررسی پیشینه پژوهش را برای آن‌ها فراهم آورد. با توجه به اینکه روش اسنادی یک بررسی میدانی یا مشارکتی نیست، اکثر محققان رشته علوم اجتماعی از روش‌هایی استفاده کرده‌اند که برکنش پژوهشگر استوار بوده و یا به‌نوعی ابزار تحقیق به حساب آمده است. پس در یک جمع‌بندی می‌توان گفت محققان مطالعات زنان، علوم تربیتی و روانشناسی علی‌الخصوص علوم اجتماعی بیشتر در قسمت مرور پژوهش‌های پیشین و چارچوب نظری از این روش بهره می‌گیرند در صورتی که برای برخی رشته‌ها نظیر الهیات، حقوق به‌عنوان یک روش مستقل، باعث می‌شود که از بازه زمانی محقق فراتر رود و امکان کاوش تفسیری پیرامون موضوع پیشین نیز فراهم می‌آورد. به عبارتی یک پژوهش می‌تواند بر اساس روش اسنادی طراحی و اجرا شود و یا فقط در بخشی از پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

پیمایش یکی از روش‌های تحقیق اجتماعی است که از طریق آن می‌توان داده‌های بسیار گسترده‌ای را در باب باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، کنش‌ها و سایر اطلاعاتی که درباره صفت‌های فرد باشند گردآوری کرد. همچنین می‌توان در باب صفاتی که ویژگی سیستم باشند، اطلاعات دست‌اول جمع‌آوری کرد (عضدانلو، ۱۳۸۸ و ساعی، ۱۳۸۷ و ازکیا و دربان، ۱۳۸۲). با توجه به یافته‌های به دست آمده، اغلب محققان علوم اجتماعی به نسبت سایر رشته‌های دیگر مندرج در جدول ۳ از روش پیمایش در پژوهش‌هایشان بهره گرفته‌اند. زیرا اساس تحقیق پیمایشی مبتنی بر تعمیم اطلاعات حاصل از بخش کوچکی از جامعه تحت عنوان نمونه به کل جامعه آماری است و این جنبه، مهم‌ترین وجه تمایز تحقیق پیمایشی نسبت به سایر روش‌های تحقیق از نظر پژوهشگران پایان‌نامه‌های مرتبط با طلاق است.

در یک جمع‌بندی از مطالب فوق‌الذکر می‌توان گفت در اکثر پایان‌نامه‌ها میان روش شناسی بنیادین، پارادایمی و کاربردی هماهنگی و تطابق برقرار نبود یا به مبانی و اصول موضوعه آنها واقف نبوده یا اساساً اشاره‌ای بدان‌ها نشده بود. اهمیت این مساله را می‌توان در کلان‌ترین تا جزئی‌ترین تکنیک و ابزار تحقیق نیز در این پایان‌نامه‌ها دید. در برخی از پایان‌نامه‌ها برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده بود این در حالی است که این روش در مورد پژوهش‌هایی است که در آنها هدف، تخمین میانگین جامعه باشد. در صورتی که این پایان‌نامه‌ها در آنها، تحلیل عاملی استفاده شده بود پس حجم نمونه مورد نیاز با آزمون بارتلت اعلان کفایت می‌شد نه با فرمول کوکران.

۵۸ با توجه به انسان‌شناسی حاکم بر پایان‌نامه‌ها، نقش تجربه زیسته در این پایان‌نامه‌ها چه اندازه است؟

این مبحث غیر از مباحث مطرح در روش شناسی بنیادین در بخش انسان‌شناسی است. این بخش در واقع می‌خواهد به این جنبه از انسان‌شناسی حاکم در پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق بپردازد که نقش کنشگر، شناسایی روابط پدیده مورد مطالعه با استفاده از تظاهرات بیرونی است یا فهم پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی و فهم ماهیت تجربه یا تغییرات هدفمند بر اساس خلاقیت انسان تحت سلطه است.

پایان‌نامه‌هایی که توسط پژوهشگران نوشته می‌شود اساساً انسان‌شناسی فلسفی خاصی مرتبط با روش شناسی بنیادین روش شناسی پارادایمی، آن‌ها را هدایت می‌کند. در پژوهش‌ها مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی، انسان‌شناسی هدایت‌کننده تحقیق است که به موجب آن نظم و

واقعیت اجتماعی، "بیرونی" تلقی می‌شود و نقش کنشگر (محقق)، شناسایی نظم روابط پدیده مورد مطالعه با استفاده از تظاهرات بیرونی آن است. علاوه بر این در این نگاه، کنش اجتماعی بیش از آنکه متأثر از اندیشه انعکاسی فاعل باشد، متأثر از عوامل اجتماعی است و ماهیت انسان منفعل تلقی می‌شود (ذکایی، ۱۳۸۱). به عبارتی انسان‌شناسی منفعت طلبانه حاکم می‌باشد.

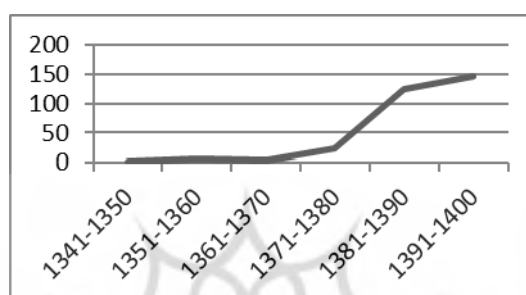
اما در پژوهش‌ها مبتنی بر پارادایم تفسیری، انسان‌شناسی آگاه‌مندانه، که هدایت‌کننده تحقیق است کنش اجتماعی را متأثر از اندیشه انعکاسی فاعل می‌داند و ماهیت انسان انفعالی است و نقش کنشگر به جای اینکه شناسایی نظم روابط پدیده مورد مطالعه با استفاده از تظاهرات بیرونی آن باشد، فهم ماهیت تجربه زیسته، یا فهم پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی و یا فهم زبان و پدیده‌های ارتباطی (گال و بورگ، ۱۳۸۳). روش‌های کمی نظیر پیمایش و فن پرسش‌نامه، که گفتگویی مبتنی بر پرسشنامه میان محقق و جامعه مورد مطالعه برقرار می‌شود. نقطه‌هایی که اتصال ذهنی میان محقق و جامعه مورد مطالعه است، تنها جواب دادن به گزاره‌ها است و آنچه جای خالی آن در این میان احساس می‌شود تجربه افراد است که باعث می‌شود شناخت محقق از موضوع محدود شود، ماهیت پدیده‌ها ناشناخته بماند. در حالی که در روش‌هایی نظیر گراند تئوری، پدیدارشناسی و... محقق از طریق یاری جستن از فن‌هایی مانند مصاحبه و مشاهده می‌تواند به قلمروی تجربه زیسته (Lived Experience) جامعه پژوهش دست یابد. تجربه زیسته درکی مستقیم و بی‌واسطه است که باعث می‌شود محقق به فهمی در بافت یا موقعیتی معین برسد. آنچه به‌عنوان نکته کلیدی در مورد برخی موضوعات تحقیق حائز اهمیت است این است که پرسش‌های بسته نمی‌تواند تجربه را بازتاب نماید.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است، انسان‌شناسی فلسفی‌ای که برای هدایت پایان‌نامه‌ها به کار گرفته شده است نقش محقق را، شناسایی نظم روابط پدیده مورد مطالعه با استفاده از تظاهرات بیرونی آن می‌داند و هم‌شناسایی و فهم پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، شناسایی زبان و پدیده‌های ارتباطی و فهم ماهیت تجربه زیسته انسان. اما آنچه در این سؤال حائز اهمیت فراوان است نقش تجربه زیسته در این پایان‌نامه‌ها است.

در این پژوهش ۱۶ پایان‌نامه به‌نوعی از قلمرو تجربه زیسته بهره گرفته‌اند که در میان تنها ۲ پایان‌نامه بر کشف، توصیف، و تفسیر این تجربه‌ها تأکید داشته است. از منظر محققان این تحقیق آنچه پژوهشگران، علی‌الخصوص دانشجویان را در بهره‌گیری از این روش

بازمی‌دارد، مباحث فلسفی این روش است. درست که برخی مباحث فلسفی این روش، از ترجمه‌های روان و سلیس برخوردار نیست، اما کافی است پژوهشگر درکی روشن از معنا و مفهوم این روش داشته باشد و بتواند همانند سایر روش‌های مبتنی بر پارادایم اثباتی و تفسیری آن را در عمل پیاده نماید.

۶۸ در کدام برهه زمانی، بیشتر توجهات معطوف به طلاق بوده است؟



نمودار شماره ۱. روند رشد و افول پایان‌نامه‌های انجام‌شده با محوریت طلاق

بر اساس نمودار شماره ۱، پایان‌نامه‌های صورت گرفته با محوریت طلاق، بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۴۰۰ و پس‌از آن در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰، ۱۳۷۱-۱۳۸۰، ۱۳۶۱-۱۳۷۰، ۱۳۵۱-۱۳۶۰، ۱۳۴۰-۱۳۵۰ و ۱۳۳۱-۱۳۴۰ هرکدام به ترتیب با ۱۳۹، ۲۴، ۶، ۳ از بیشترین فراوانی برخوردار هستند.

دلایلی وجود دارد که به‌عنوان یک انگیزه باعث می‌شوند پژوهشگری، پایان‌نامه خود را با محوریت طلاق انجام دهد، دلیل اولیه که به‌عنوان مهم‌ترین دلیل به‌حساب می‌آید عبارت است: اندیشه‌ای وجود داشته که ذهن پژوهشگر به آن سو گرایش پیدا کرده تا پایان‌نامه‌ای را به رشته تحریر درآورد یا به‌طور اتفاقی به آن برخورد کرده است. دلایل ثانویه‌ای که بعد از اندیشه به‌عنوان دلایلی که به‌عنوان سرآغاز اجرای یک پژوهش مطرح است شامل علاقه داشتن محقق، رخداد خاص و تجربیات شخصی است. همچنین اگر انتخاب مسئله را بر دلایل اولیه و ثانویه پژوهشگران بدانیم، با مروری بر فراوانی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق متوجه می‌شویم که فراوانی پایان‌نامه‌ها در دوره‌های زمانی مختلف تغییر کرده است و در زمان‌هایی، فراوانی آن افزایش یافته است.

با استناد به نتایج تحقیق، فراوانی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق در بین سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۱ از بالاترین میزان برخوردار است. که در اینجا دو نکته حایز اهمیت است. اولاً با نگاه کردن به تغییرات فراوانی پایان‌نامه‌ها در دوره‌های زمانی مختلف در می‌یابیم که ۲/۲۶ درصد پایان‌نامه‌ها مربوط به قبل از انقلاب اسلامی بوده است و همچنین ۱/۹۴ درصد پایان‌نامه‌ها به سالهایی اختصاص دارد که جامعه ایران در شرایط سیاسی و اقتصادی خاص نظیر وقوع جنگ تحمیلی و بازگشایی دانشگاه‌ها به سر می‌برده است. پس در نتیجه بیشترین درصد پایان‌نامه‌ها به سالهای بعد از اتمام جنگ، آغاز دوره بازسازی و... اختصاص دارد. نکته دوم، از افزایش رو به رشد پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق در می‌یابیم که طلاق علاوه بر اینکه به معنای عام کلمه باعث جدایی زن و مرد می‌شود، از اواسط دهه ۸۰ در ایران به دنبال گسترش وسایل ارتباط جمعی، رویارویی بیشتر مردم با فرهنگ‌های غربی، کم شدن قبح طلاق در میان عموم مردم، آگاهی روزافزون زنان و... باعث گردید که طلاق در ایران نیز افزایش یابد و این خود مطالعه پیرامون این مسئله حیاتی زندگی بشر را بیش‌ازپیش ضرورت می‌بخشد. از آنجاییکه طلاق در اکثر مواقع اثرات مخرب روی زن، مرد و فرزندان می‌گذارد و به منزله یک آسیب اجتماعی بر جامعه نیز تاثیر دارد.

۷.۸ دسته‌بندی موضوعی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق به چه صورت است؟

جدول ۴. دسته‌بندی موضوعی پایان‌نامه‌ها

ردیف	گروه موضوعی پایان‌نامه‌ها	فراوانی	درصد
۱	میزان گرایش، علل و عوامل مؤثر، نگرش، گونه‌شناسی، چالش‌های طلاق	۴۶	۱۴/۹۰
۲	مقایسه تطبیقی طلاق در حقوق ایران و سایر کشورها	۱۷	۵/۵۰
۳	طلاق از منظر دینی و فقهی (چیستی، انواع، دیدگاه اندیشمندان، علل و عوامل، افزایش و کاهش)	۳۹	۱۲/۶۳
۴	معیارهای همسرگزینی و طلاق	۲	۰/۶۵
۵	بررسی الگو و طرح‌واره‌های روان‌شناختی مختلف و تأثیر آن بر کاهش یا افزایش طلاق	۴۰	۱۲/۹۶
۶	بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی و عدم آن	۳۳	۱۰/۶۸
۷	نگرش، حقوق زوج و زوجه و طلاق در ایران	۳۲	۱۰/۳۶
۸	پیامدهای (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی) طلاق	۲	۰/۶۵
۹	نگرش جنسیتی به طلاق	۷	۲/۲۷

۱۰	گرایش‌های (فرهنگی، ارزشی، نگرش خانوادگی)، سبک زندگی، کیفیت زندگی و طلاق	۳۳	۱۰/۶۸
۱۱	نگرش، حقوق زوج و زوجه و طلاق در ادیان و مذاهب مختلف	۲۶	۸/۴۲
۱۲	تحولات حقوقی و جمعیتی انحلال خانواده	۷	۲/۲۷
۱۳	فرزندان طلاق (بررسی حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی)	۲۲	۷/۱۲
۱۴	ارزیابی کارایی خانواده و طلاق	۳	۰/۹۷
جمع		۳۰۹	۱۰۰

طبق جدول شماره ۴، ۱۴ محور موضوعی نشان داده شده است که محققان و پژوهشگران در پایان‌نامه‌های خود بدان پرداخته‌اند. ۱۴/۹۰ درصد پایان‌نامه‌ها به بررسی "میزان گرایش، علل و عوامل مؤثر، نگرش، گونه‌شناسی و چالش‌های طلاق" اختصاص یافته است. که اغلب این موضوعات توسط محققان رشته‌های علوم اجتماعی و زیرشاخه‌های آن انجام گرفته است. که محققان در این پایان‌نامه‌ها از نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی استفاده کرده‌اند. یعنی از تئوری برای پشتوانه نظری بهره برده‌اند. برخی از یک نظریه و برخی دیگر از چند نظریه به علت جامعیت موضوع تحقیق استفاده کرده‌اند و متغیرهای مستقل از درون چهارچوب نظری مشخص شده‌اند. پس از آن ۱۲/۹۶ درصد پایان‌نامه‌ها به "بررسی الگو و طرح‌واره‌های روان‌شناختی مختلف و تأثیر آن بر کاهش یا افزایش طلاق" پرداخته‌اند. که این موضوع توسط محققان رشته علوم تربیتی و روانشناسی و زیرشاخه‌های آن انجام گرفته است. که با تحقیقات تجربی درباره ابعاد بالینی عملکرد اعضای خانواده در مواجهه با مسئله طلاق قبل و بعد از آن به دست آمده است و متناسب با رشته خود از آزمون‌های روان‌شناختی (دل‌بستگی، صفات همدلی باتسون، خرده‌مقیاس خشم و نگرش مذهبی، مقیاس الگوی ارتباطی خانواده) استفاده کرده‌اند. محققان از مدل‌ها و طرح‌واره‌هایی برای ارزیابی و شناسایی زمینه‌های مشکل‌زا در روابط زناشویی، سنجش نقاط قوت و ضعف، مقیاس سنجش خانواده (سازه‌های حل مسئله، پاسخ‌دهی و آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار، نقش‌ها و... بهره برده‌اند. در مرتبه سوم ۱۲/۶۳ درصد پایان‌نامه‌ها به بررسی "طلاق از منظر دینی و فقهی (چیستی، انواع، دیدگاه اندیشمندان، علل و عوامل، افزایش و کاهش)" اختصاص دارد. که در این بین اغلب محققان الهیات و معارف اسلامی و زیرشاخه‌های آن با بهره‌گیری از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی و نظریات اندیشمندان به تبیین طلاق و مسائل مرتبط با آن پرداخته‌اند. در مرتبه چهارم، ۱۰/۶۸ درصد پایان‌نامه‌ها به بررسی "گرایش‌های (فرهنگی، ارزشی، نگرش خانوادگی)، سبک زندگی، کیفیت زندگی و طلاق" و "عوامل

روان‌شناختی مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی و عدم آن " پرداخته‌اند. که در این بین اغلب محققانی به مسئله طلاق پرداخته‌اند که نگاه آنان، بر مبنای مطالعات چند رشته‌ای بوده است. یعنی آن‌ها از نگاه تقلیل‌گرایانه پرهیز نموده و از ترکیب و تلفیق دانش و روش‌های دو یا چند حوزه علمی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فقهی - حقوقی استفاده کرده‌اند. زیرا برای شناخت جامع برخی مفاهیم پیچیده، نظیر مسئله طلاق، محققان به تعامل بین رشته‌های گوناگون برای تشخیص کلیت ابعاد متنوع مسئله طلاق نیاز دارند، که به جای شناخت یک‌جانبه و تک‌بعدی، تمرکز بر همه متغیرهایی است که در شکل‌گیری پدیده نقش دارند.

در مجموع یافته‌های این سوال نشان می‌دهد که پایان‌نامه‌های رشته‌های اخلاق، حقوق و علوم سیاسی و علوم پزشکی از نظر موضوعی بر اساس نیازهای جامعه طراحی نشده‌اند. اینجاست که اهمیت پیشینه تحقیق و امکان‌سنجی موضوع بیش از پیش خود را نشان می‌دهد.

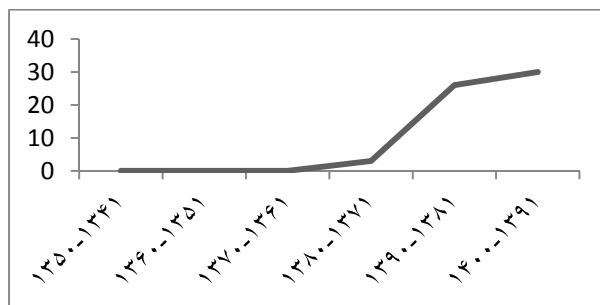
همچنین با بررسی گروه موضوع پایان‌نامه‌های رشته مطالعات زنان در می‌یابیم که اندک پایان‌نامه‌های ارائه‌شده توسط رشته مطالعات زنان در این تحقیق به مساله طلاق به مثابه یک مشکل عادی و جاری توجه کرده‌اند. هدف اکثر این ۶/۸ درصد پایان‌نامه، توجه به اموری صرفاً نظری بوده است که به طور معمول، اگر از منظر کاربردی به آنها نگاه کنیم، ممکن است خواننده، از زمینه فکری و دید کلی کمتری نسبت به آن موضوع برخوردار باشد نظیر طلاق از منظر فمینیسم و به نحوی نباشد که این رشته برای انتقال اندیشه‌های فمینیستی صرف، نامی را یدک بکشد، در شرایطی که جامعه ایران با مشکلات بسیاری در زمینه طلاق و ارتباط آن با خانواده، قوانین و... دست و پنجه نرم می‌کند. پس می‌بایست این رشته، از امور صرفاً نظری در مورد طلاق پرهیز نماید و به موضوع طلاق به صورت کاربردی‌تر توجه نماید.

۸۸ پژوهش‌های صورت گرفته با محوریت طلاق از سال ۱۳۴۹ تاکنون در ایران در مورد دیدگاه جنسیت محوری (زن) از چه جهت‌گیری برخوردارند؟

جدول ۵. فهرست جهت‌گیری پایان‌نامه‌های مرتبط با طلاق با تمرکز بر محور زنان
به ترتیب توزیع و درصد فراوانی

رشته	گرایش	فراوانی رشته‌ها و گرایش‌ها با تمرکز بر محور طلاق	فراوانی پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق در هر رشته و گرایش با تمرکز بر محور زنان	درصد فراوانی
الهیات و معارف اسلامی	فقه و مبانی حقوق اسلامی	۶۰	۴	۵/۹۷ پرداخته‌اند
	ادیان و عرفان	۲	۰	۹۴/۰۳ نپرداخته‌اند
	فقه شافعی	۲	۰	
مطالعات زنان	قرآن و حدیث	۳	۰	۳۳/۳۳ پرداخته‌اند
	حقوق زن در اسلام	۹	۲	
علوم تربیتی ۲	زن و خانواده	۱۲	۵	۱۹/۲۸ پرداخته‌اند
	روانشناسی تربیتی	۲۹	۲	
	مشاوره و راهنمایی	۵	۲	
روانشناسی	مشاوره (مدرسه، شغلی، خانواده و توان‌بخشی)	۴۹	۱۲	۷۱/۸۱ نپرداخته‌اند
	عمومی	۱۶	۲	۱۶/۶۷ پرداخته‌اند
علوم اجتماعی	بالینی	۴	۱	۸۳/۳۳ نپرداخته‌اند
	خانواده‌درمانی	۱۰	۲	
	جامعه‌شناسی	۳۲	۹	۲۶/۱۹ پرداخته‌اند
	پژوهش علوم اجتماعی	۴	۲	
	مطالعات فرهنگی	۲	۰	
	برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	جمعیت‌شناسی	۳	۰
برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی		۱	۰	

با نگاه کلی به یافته‌های جدول ۵ مرتبط با پرسش آخر پژوهش درباره فراوانی و درصد فراوانی رشته‌هایی که به مسئله طلاق با رویکرد زن محوری پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که رشته مطالعات زنان با ۳۳/۳۳ درصد بیشترین درصد را از منظر پرداختن به مسئله طلاق با رویکرد زن محوری به خود اختصاص داده و بعد از آن علوم اجتماعی ۲۶/۱۹، علوم تربیتی (۲) ۱۹/۲۸، روانشناسی ۱۶/۶۷ و الهیات و معارف اسلامی ۵/۹۷ در رده‌های بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است سایر رشته‌ها و گرایش‌ها فاقد پایان‌نامه با محوریت طلاق با رویکرد زن محوری بودند.



نمودار شماره ۲: جهت‌گیری پایان‌نامه‌های انجام‌شده با محوریت طلاق با رویکرد زن محور

بر اساس نمودار شماره ۲، پایان‌نامه‌های صورت گرفته بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۴۰۰ از بیشترین فراوانی با برخورداری از رویکرد زن محور، برخوردار هستند و پس از آن در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰، ۱۳۷۱-۱۳۸۰، ۱۳۶۱-۱۳۷۰، ۱۳۵۱-۱۳۶۰، ۱۳۶۱-۱۳۷۰ و ۱۳۴۰-۱۳۵۰ هرکدام به ترتیب با ۳۰، ۲۶، ۳ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

از آنجاییکه زن، طلاق و خانواده در یک پیوستار از منظر شناختی قرار می‌گیرند. بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان مساله جنسیت محوری (زن) را در این پژوهش از دو جنبه مورد بحث قرار داد. اولاً یافته‌های تحقیق نشان داد که عدم آگاهی، عدم استفاده از سه روش‌شناسی بنیادین، پارادایمی و کاربردی توسط محققان این پایان‌نامه‌ها با رویکرد جنسیت محور (زن) باعث شده که برخی پایان‌نامه‌های میدانی مذکور توجهی به خصیصه لوگوس و اروس نداشته باشند از آنجا که سر و کار این پایان‌نامه‌ها با زنان بوده است و زنان نیز بر خلاف مردان، کلامشان نشانی از درونی رمزآلود است که با سکوت خود همه چیز را در تعلیق نگه می‌دارند، این دانشجویان سکوت زنان را به عنوان یک مشکل تکنیکی در زمینه جمع‌آوری اطلاعات در نظر گرفته‌اند، درحالی که می‌توانستند از نظریه‌هایی که در مورد لایه‌های پنهان سخنان افراد که در زمینه فکری و شیوه زندگی‌شان شکل گرفته است، استفاده نمایند. لوگوس به معنای صحبت کردن و سخن گفتن، مشخصه‌ای در مرد است که اصرار دارد با صدای بلند فکر کند، اندیشه‌اش را به زبان بیاورد، از آن مفهومی بسازد و ابرازش کند. در حالیکه زن که اروس بیشتر مشخصه اوست می‌تواند چیزهای را در تعلیق نگاه دارد، لازم نیست همه چیز به زبان درآید. سخن زنان هدفی متفاوت از سخنان مردانه دارد. برای زن مهم است که تفاوت‌ها را بپوشاند یا آنها را به هم مربوط کند (یونگ، ۱۳۸۷، ۱۹۷-۱۹۸).

ثانیا، بر اساس یافته‌های پژوهش، موضوع زن، بیشتر محور موضوعات مطالعات زنان، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی و الهیات و معارف اسلامی، مربوط به طلاق است نه محور تمامی رشته‌هایی که پایان‌نامه‌های آنان با محوریت طلاق است. در این سه رشته بیشتر بر ابعاد عملکردی و عاطفی زنان توجه شده است. قرار گرفتن زن به‌عنوان موضوع محوری پژوهش‌های حقوق و علوم سیاسی در مبحث طلاق در این مطالعه وجود ندارد و در رشته الهیات و معارف اسلامی به نسبت سایر رشته‌ها خیلی اندک است. آنچه در مسئله طلاق می‌تواند مانعی برای آسیب‌پذیری زنان باشد، پشتیبانی حقوقی و فقهی از آن‌ها و پرداختن به حقوق آن‌ها است.

۹. نتیجه‌گیری

رشد روزافزون طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی، موجب شده است که مساله طلاق در جامعه ایران، از سطح کلان تا خرد مورد توجه قرار گیرد. آموزش عالی و دانشگاهها دارای کارکردهای مختلفی نظیر آموزشی و پژوهشی هستند. در این میان محققانی هستند که بررسی پایان نامه‌ها و پژوهش‌ها، به عنوان بخشی از فعالیت پژوهشی آنها است. پایان نامه‌ها با محوریت طلاق نشان دهنده کارکرد پژوهشی دانشگاهها و به عنوان یکی از اشکال پژوهش‌ها مطرح است.

موضوع روش و روش‌شناسی در سطوح مختلفی مطرح می‌شود. روش‌شناسی را می‌توان دانشی در نظر گرفت که متأخر از برخی دانش‌ها است. پس روش‌شناسی، مؤخر از روش است. اگر به چپستی روش با نگاه عمیق نگریسته شود به تفاوت بین روش و روش‌شناسی می‌توان دست یافت که روش، مسیری است که برای کسب یک معرفت، طی می‌شود، ولی غیر از روش‌شناسی است. ولی روش‌شناسی، معرفتی است که موضوع آن روش است. این روش‌شناس است که با اتکا به مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی که در دامنه علم مورد نظرش پذیرفته است، روش خاصی را شناسایی می‌نماید (پارسانیا، ۱۳۸۸). روش‌شناسی بنیادین، پارادایمی و کاربردی، به مثابه یک پیوستار، سه روش‌شناسی متفاوت هستند که در عین حال با یکدیگر در ارتباط می‌باشند. که اگر میان روش‌شناسی بنیادین، پارادایمی و کاربردی هماهنگی و تطابق برقرار نباشد نقد روش‌شناختی بدان وارد خواهد بود.

از سال ۱۳۴۹ تاکنون پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق همانند سایر پژوهش‌ها از اشتباهات و خطاهای مختلف مبرا نبوده‌اند. یکی از این اشتباهات، خطاهای روش‌شناختی است که به گسست بین روش‌شناسی بنیادین، پارادایمی و کاربردی اشاره دارد. زیرا به‌طور کلی پایان‌نامه‌ها بایستی از اصول موضوعه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی که در شکل‌گیری چارچوب روش‌شناسی بنیادین نقش بسزایی دارد تغذیه نمایند و این روش‌شناسی بنیادین است که در قبال روش‌شناسی کاربردی قرار دارد در نتیجه بر اساس چارچوب روش‌شناختی (بنیادین، پارادایمی و کاربردی)، ابعاد گوناگون پدیده موردتحقیق، به‌طور علمی موردبررسی قرار می‌گیرد. همچنین به نظر می‌رسد یکی دیگر از اشتباهات رایج در برخی از پایان‌نامه‌ها با محوریت طلاق این است که از نظر موضوعی، روش‌شناسی و روش بر اساس نیازهای جامعه طراحی نشده‌اند. اینجاست که اهمیت پیشینه تحقیق، امکان‌سنجی موضوع و روش، بیش از پیش خود را نشان می‌دهد.

نکته‌ای که محققان این تحقیق در طرح انسان‌شناسی فلسفی مدنظر داشتند این بود که علاقه و دانش صرف به روش‌های مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی، کلی‌گرایی، آمار و ارقام و... باعث شده است که در برخی از پایان‌نامه‌ها از توجه به عمق پژوهش‌های رفتاری یعنی دست‌یافتن به تعابیر گوناگون کنشگران از معنی رفتارها، افکار خود و دیگران غفلت ورزیده و نقش محقق را شناسایی نظم روابط پدیده مورد مطالعه با استفاده از تظاهرات بیرونی آن بدانند. در صورتی که تامل در مساله و نتایج به دست آمده از آن پایان‌نامه‌ها نشان داد که می‌بایست این پایان‌نامه‌ها از روش‌های مبتنی بر پارادایم تفسیری بهره‌بگیرند.

آنچه در مسئله طلاق می‌تواند مانعی برای آسیب‌پذیری زنان باشد، پشتیبانی حقوقی و فقهی از آن‌ها و پرداختن به حقوق آن‌ها است. زیرا در برخی مواقع حقوق زنان در مساله طلاق، چنان‌که شایسته است پاس داشته نمی‌شود و همچنین برخی از زنان از حقوق خود چندان آگاهی ندارند پس برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود با افزایش پژوهش‌های آکادمیک در رشته‌های الهیات و معارف اسلامی و حقوق، حرکتی اساسی در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه صورت گیرد، که این حرکت باید بر مبنای هدف اسلامی بنا شده باشد.

در نهایت ماهیت سرگردان اکثر این پایان‌نامه‌ها بین سطوح نظری، یافته‌ها و یک سری راهکار را نشان داده که این مساله نتیجه عدم آگاهی یا عدم استفاده صحیح از سه

روش‌شناسی بنیادین، پارادایمی و کاربردی توسط محققان این پایان‌نامه‌ها می‌باشد. همچنین هدف اکثر این پایان‌نامه‌ها در نهایت می‌بایست منجر به یک سری راهکارهای پیشگیرانه، حقوقی و در نهایت اجرایی برای سازمان‌ها و مؤسسات مرتبط با مسئله طلاق باشد که متأسفانه در اکثر پژوهش‌ها، نادیده گرفته شده است، که انتقادهایی از طرف نویسندگان این مقاله به این پژوهش‌ها وارد آمده است که اکثراً یکسان از منظر فقدان روش‌شناختی صحیح و حتی فاقد این است که نقص‌های پژوهش‌های قبلی را برطرف کنند و از غنای روش‌شناسی لازم برای تحقیقات بعدی برخوردار باشند و در نهایت اکثر پایان‌نامه‌ها در یک دور باطل از اشکالات روش‌شناختی قرار گرفته‌اند. در نتیجه پژوهشگران بعدی نیز که اکثراً دانشجویان می‌باشند با تکیه بر این پایان‌نامه‌ها، از منظر روش‌شناختی ممکن است دچار مشکلات روش‌شناختی پایان‌نامه‌های قبلی بشوند، زیرا دانشجویان معمولاً به پایان‌نامه‌های صورت گرفته، بدون شناسایی و مطالعه نقادانه صحیح در مورد صحت محتوای آنها، اعتماد بسیاری دارند و آنها را مبنایی برای پیشبرد کار پژوهشی خود می‌دانند. پس کندوکاو نقادانه درباره کیفیت روش‌شناختی پایان‌نامه‌ها برای سیستم آموزش دانشگاهی می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد زیرا می‌تواند به بالا بردن کیفیت روش‌شناختی پایان‌نامه‌ها کمک نماید. آنجاست که این پایان‌نامه‌ها می‌تواند به مثابه ابزارهای تحقیقاتی تلقی شوند که هدف آنها افزایش اعتماد به نفس، قدرت ابداع، ابتکار و در نهایت دانشگاه از آشنایی دانش‌آموختگان، من باب دانش روش‌شناختی و آگاهی از روش‌های پیشرفته تحقیق و آخرین دستاوردهای علمی می‌تواند اطمینان نسبی حاصل نماید.

کتاب‌نامه

- ازکیا، مصطفی و دربان، آستانه (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: کیهان.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۵). ضرورت توجه به دیدگاه‌های فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی برای انتخاب روش تحقیق با تأکید بر روش‌های کیفی پژوهش و ارزشیابی آموزشی (مجموعه مقالات علوم تربیتی به قلم جمعی از مؤلفان)، سمت: تهران.
- بتون، تد و یان کرایب (۱۳۸۴). فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران: آگه.

پارسانیا، حمید(۱۳۸۸). روش‌شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی، فصلنامه پژوهش، سال اول، شماره ۲، صص ۴۰-۵۵.

پارسانیا، حمید(۱۳۹۰). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی، قم: کتاب فردا.

پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۳، صص ۷-۲۸.

چالمرز، آلن‌اف(۱۳۷۸). چپستی علم، درآمدی بر چپستی مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سمت.

ذکایی، محمد سعید(۱۳۸۱). «نظریه و روش در تحقیقات کیفی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷.

ساروخانی، باقر(۱۳۹۴). «نظریه‌پردازی در زمینه طلاق و طلاق توافقی»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، <http://www.isa.org.ir>

ساعی، علی(۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: سمت.

طالقانی، محمود(۱۳۸۱). روش تحقیق نظری، قم: دانشگاه پیام نور.

عضدانلو، حمید(۱۳۸۸). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی.

فی، برایان(۱۳۸۱). فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرش چند فرهنگی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

کاظمی پور، شهلا و خوشنویس، اعظم(۱۳۹۲). «فرا تحلیل مطالعات انجام‌شده در زمینه سطح، روند و تعیین‌کننده‌های طلاق در ایران و کشورهای منتخب طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵»، فصلنامه مطالعات جمعیتی، شماره اول.

کرسول، جان دبلیو(۱۳۹۳). طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامانش و مریم دانای طوس، تهران: جهاد دانشگاهی علامه طباطبایی.

کرلینجر، فرد(۱۳۸۰). مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: آوای نور.

گال، مردیت و همکاران(۱۳۸۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، جلد ۱ و ۲، تهران: سمت.

لطف‌آبادی، حسین و دیگران(۱۳۸۶). «بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی در ایران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۱، سال ششم.

محمدپور، احمد(۱۳۸۹). روش در روش، تهران: جامعه‌شناسان.

نوذری، حسینعلی(۱۳۸۷). فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران: طرح نو.

یاوری بافقی، امیرحسین و پور اسدی، محمد(۱۳۹۰). «رویکرد آمیخته پژوهی در امنیت پژوهی: چپستی و چرایی». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۶(۴): صص ۶۶۵-۶۴۵.

یحیی زاده، حسین و حامد، محبوبه (۱۳۹۴). «مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فرا تحلیل مقالات موجود»، *مطالعات زنان و خانواده*، دوره ۳، شماره ۲: صص ۹۱-۱۲۰.
یونگ، ک. گ. (۱۳۸۷). سمینار زرتشت نیچه، ترجمه سپیده حبیب، تهران: کاروان.

- Ahmed, J.U. (2010). Documentary research method: new dimensions. *Indus Journal of Management & social science*. Volume 4. Pp1-14.
- Aiken, L. S., West, S. G., Sechrest, L., & Reno, R. R. (1990). Graduate training in statistics, methodology, and measurement in psychology. *American Psychologist*, Vol. 45, No. 6, pp. 721-734.
- Baily, K.D. (1994). *Method of social research*. New York: The free press.
- Calhoun, Craig (2002) *Dictionary of the Social Sciences*, Oxford University Press.
- Flick, U., E. von Kardorff. & I. Steinke. (2004). *A companion to qualitative research*. translated by Bryan Jenner. London: sage.
- Hunter, J. E & Schmidt, F. L. (2004). *Methods of Meta Analysis: Correcting Error and Bias in Research Findings*, (2nd Ed.). New Bury Park, C. A.: Sage Publication.
- McCulloch, G (2005). *Documentary research in Education, History and the Social science*. London and New York: Rutledge Falmer.
- Mogalakwe, M. (2006). The use of Documentary research method in social research. *African sociological review*. Volume 10. pp 221-230.
- Neuman, W.I. 1994. *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. Boston: Allyn & Bacon.
- Rocco, Tonette & Bliss, Linda. A & Gallagher, Suzanne & Perez-Prado (2003). Taking the Next Step: Mixed Methods Research in Organizational Systems. *Informational technology, learning, and performance Journal*. 21(1). 19-29. S
- Sarantakos s. (1998). *social research*. Second edition. South Melbourne: maclinom.
- Smelser, Neil. J. (2003) "On Comparative Analysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology", *International Sociology*, 18(4): 643-657